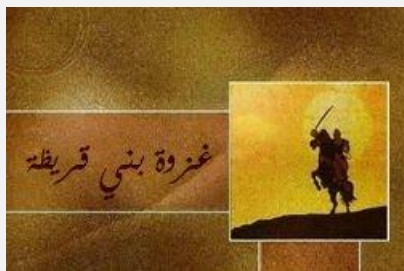


غزوه بنی قریظه از واقعیت تا تحریف

پس از جنگ احزاب، غزوه بنی قریظه نیز اتفاق افتاد؛ اما نکته قابل توجه این است که غزوه بنی قریظه توسط برخی روایت کنندگان آن تحریف شده ...



قوم یهود؛

غزوه بنی قریظه از واقعیت تا تحریف

خبرگزاری رسا - پس از جنگ احزاب، غزوه بنی قریظه نیز اتفاق افتاد؛ اما نکته قابل توجه این است که غزوه بنی قریظه توسط برخی روایت کنندگان آن تحریف شده و متأسفانه بار دیگر شاهد حضور یهودیان در تحریف وقایع تاریخی هستیم. به گزارش خبرگزاری رسا، غزوه بنی قریظه همان جنگی است که با پیمان شکنی یهودیان تبدیل به لکه ننگی بر تاریخ این قوم شد. آتش افروزان جنگ احزاب، سران یهود بنی نظیر و بنی قینقاع بودند که با سران قریش تماس گرفته و به آنها گفتند برخیزید و از هم پیمانان خود کمک بگیرید و ما با 700 شمشیرزن یهودی (بنی قریظه) در مدینه به یاری شما خواهیم شتافت! مشرکین قریش گفتند: ما با محمد اختلافی جز از ناحیه آیین نداریم؛ شما که اهل کتاب بوده و شرایع حق و باطل را به خوبی تشخیص می‌دهید، بگویید آیین ما بهتر است یا او که بر یکتا پرستی استوار است؟ یهودیان گفتند آیین بت پرستی بهتر از آیین محمد است!

این لغزش به قدری نابخشودنی است که نویسندگان یهود نیز ابراز تأسف کرده‌اند. دکتر اسراییل در کتاب "تاریخ یهودان و عربستان" می‌نویسد: «؛هرگز ارزش نداشت یهود چنین خطایی را مرتکب شود؛ هر چند قریش تقاضای آنان را که همان جنگ با پیامبر(ص) بود رد می‌کرد. علاوه بر این هرگز صحیح نبود ملت یهود به بت پرستان پناه ببرد؛ زیرا این تعلیمات با تعلیمات تورات موافق نیست.«

پایان جنگ احزاب و آغاز غزوه بنی قریظه

میان پیامبر اسلام(ص) و بنی‌قریظه و دو طایفه دیگر یهود، پیمانی منعقد شده بود که بر اساس آن، تعهد کرده بودند که هرگز علیه پیامبر و یاران وی قدمی برندارند. با دست و زبان به آنان صدمه‌ای نرسانند، نیز اسلحه و مرکب در اختیار دشمنان حضرت قرار ندهند. اگر بر خلاف این رفتار نمودند، پیامبر(ص) با آنان همانند دشمن رفتار نماید. اما یهود بنی‌قریظه، در جریان جنگ احزاب، شهر مدینه را دچار ناامنی کردند. برای ترساندن مسلمانان به خانه‌های آنان ریختند و اگر مراقبت پیامبر(ص) نبودند و گروهی را برای استقرار امنیت در شهر، از لشکرگاه به داخل شهر اعزام نمی‌کردند، چه بسا نقشه شوم بنی قریظه عملی می‌شد و شهر به دست آنان سقوط می‌کرد. بعد از بازگشت دشمن، پیامبر(ص) تصمیم به برخورد با یهودیان پیمان شکنی گرفت که معاهده خود را زیر پا گذاشته و به ستون پنجم دشمن در داخل شهر تبدیل شده بودند. بر این اساس، مسلمانان به فرماندهی امیرالمؤمنین (علی(ع) روانه محل سکونت آنان شده و آن جا را به مدت بیست و پنج روز به محاصره خود درآوردند، تا سر انجام، آنان را وادار به تسلیم کرده و در مورد چگونگی برخورد با آنها، گفت و گوهایی انجام شد.

حیی بن اخطب نضیری که آتش افروز جنگ احزاب بود، پس از تفرق احزاب به سوی خیبر نرفت؛ بلکه وارد دژ آنها شد! رهبر طائفه سه طرح داد و درخواست کرد که با یکی از آن سه طرح موافقت شود:

- 1- همگی اسلام بیاوریم، زیرا نبوت محمد امریست قطعی و بر همه ما مسلم است و تورات نیز آن را تصدیق کرده است.
 - 2- زنان و کودکان خود را بکشیم و از دژ بیرون آئیم و با مسلمانان آزادانه بجنگیم. اگر کشته شدیم نگرانی نداریم و اگر پیروز شویم، دو مرتبه زن و فرزند پیدا می‌کنیم!
 - 3- امشب شب شنبه است، محمد و یاران او می‌دانند که طائفه «؛یهود«؛ در شب و روز شنبه دست به هیچ کاری نمی‌زنند. بنابر این، ما از غفلت آنها استفاده نمائیم و شبانه حمله ببریم!
- شورا هر سه پیشنهاد را رد کرد و گفت: ما هرگز دست از آئین خود و تورات بر نمی‌داریم و زندگی برای ما پس از زنان و کودکان خود لذت بخش نیست.

در نهایت خود یهودیان، تسلیم به دآوری "سعد بن معاذ" شدند و او نیز به کشتن برخی و به اسارت درآوردن برخی دیگر از آنان رأی داد. پیامبر(ص) پذیرفته بود که یهود بنی قریظه با وجود خیانت بزرگی که کرده بودند، می‌توانستند اسلام بیاورند، تا از جنایات آنان صرف نظر کند و آنان به زندگی خود ادامه دهند؛ ولی یهودیان لجابت کرده و بر دشمنی نسبت به اسلام پافشاری کردند. پیش از بنی‌قریظه، پیامبر(ص) یهودیان بنی‌قینقاع و بنی‌نظیر را بخشید؛ اما آنان رفتند و کفار قریش را تحریک کردند تا جنگ بدر و احزاب را علیه مسلمانان راه انداختند که در پی آن صدمات و خسارات زیادی به مسلمانان وارد شد. اگر بار دیگر به یهودیان اجازه می‌دادند که از مدینه خارج شوند، دوباره علیه مسلمانان دست به توطئه و دشمنی می‌زدند.

گزارش‌ها درباره تعداد کسانی که کشته شدند، بسیار متفاوت است. برخی تعداد آنان را 40 نفر، برخی 600 نفر و برخی 900 تا یک هزار نفر ذکر کرده‌اند که این عدم هم‌خوانی و تفاوت میان آمار، دلیلی بر نادرستی گزارش‌ها است.

یهودیان، در طول تاریخ سعی کرده‌اند که همیشه چهره‌ای مظلوم از خود به جای بگذارند. در آمار کشته‌های خود که توسط مخالفان به قتل رسیده‌اند، مبالغه می‌کنند. همچنین چگونگی کشته شدن آنان را به صورتی جلوه می‌دهند که نشان‌گر مظلومیت و مقاومت آنان

در راه عقیده و ایمان باشد. بر همین اساس درباره کشته شدگان یهود در جنگ جهانی دوم، دیده می‌شود که آمارها بسیار متفاوت و اغراق آمیز است.

حال جالب است که نگاهی به گزارش دانش نامه آزاد "ویکی پدیا" به نقل از روایات ابن اسحاق و واقعی در باره سرانجام بنی قریظه بیندازید و متوجه شوید که این سایت دانش نامه، آن چنان که نشان می‌دهد آزاد و بی طرف نیست.

متن زیر داستان غزوه بنی قریظه به نقل از "ویکی پدیا" است:

پس از پایان جنگ احزاب، مسلمانان به قلعه‌های یهودیان حمله بردند. بنی قریظه به مدت ۲۵ روز (به نقل از ابن اسحاق) یا ۱۵ روز (به نقل از واقعی) در تیراندازی شدید در برابر مسلمانان مقاومت کردند؛ ولی مسلمانان موفق به پیشروی شدند. یهودیان به سرعت به این نتیجه رسیدند که باید تسلیم شوند. ابتدا نماینده‌ای فرستادند تا بگویند که حاضرند به همان شرایطی که بنی نضیر از مدینه رفتند، از مدینه بروند، ولی محمد امین این شرط را قبول نکرد و گفت که باید بدون هیچ شرطی تسلیم شوند. در حالی که بنی قریظه چاره‌ای جز تسلیم نمی‌دیدند؛ امیدشان به وساطت اوسیان بود که در گذشته با آنان هم‌پیمان بودند. ابن هشام می‌نویسد دلیل نهایی تسلیم بنی قریظه این بود که علی ابن ابی طالب فریاد کشید «؛ به خدا سوگند یا شربتی که حمزه نوشید را می‌نوشم و یا قلعه آنان را می‌گشایم. در این لحظه قریظیان گفتند ای محمد! حکمیت سعد بن معاذ را می‌پذیریم. اوسیان از محمد خواستند که به خاطر آنان از بنی قریظه درگذرد و محمد نیز حکمیت سعد بن معاذ را پذیرفت. سعد که خود در جنگ زخمی شده بود، هر دو طرف را وداشت تا موافقت نامه ای را امضا کنند که بنا بر آن، قول دهند پذیرای قضاوت او باشند. بعد او دستور داد بنی قریظه تسلیم شوند و قلعه‌هایشان را ترک گفته و تحت اسارت مسلمانان در آیند. سعد رای بر این داد که همه مبارزین باید اعدام شوند و زنان و فرزندان به عنوان اسیر جنگی به بردگی گرفته شوند. پیامبر اسلام نیز گفت که حکم سعد مطابق حکم خداوند است.

مردان بنی قریظه و پسران بالغشان، که تعداد آنان بین ششصد تا هشتصد نفر گزارش شده‌است، به قتل رسیدند.

محمد ابن اسحاق بن یسار

ابن اسحاق خود مورخی قابل اعتماد است و در تاریخ دست نبرده و جعل اخبار نیز نکرده، اما منابع او از نظر درجه اعتبار متفاوت هستند و در کتاب او عین متن تورات و انجیل و افسانه های دینی اهل کتاب و قصه های قصاص با روایات از معتبرترین عالمان و راویان عصر، در کنار هم قرار گرفته اند؛ به عبارت دیگر ابن اسحاق یک جمع آوری کننده است و لذا به صرف قدمت کتاب او نمی توان به آن اعتماد کرد و از طرف دیگر نمی توان دست رد بر همه روایات او زد. هر روایت حکم خاص خود را دارد و باید با کمک معیارهای خاص، صحت و سقم آنها ارزیابی شود.

عصر ابن اسحاق نیز عصر اولیه تدوین بود و هنوز عصر بررسی و تحقیق شروع نشده بود. در این عصر علاقه وافری به حفظ کلیه منقولات وجود داشت و محدثان و مورخان به ضوابطی که بعدها با دقت بیشتر مراعات شد، پایبند نبودند. مشکل دیگر عصر ابن اسحاق، حضور فراوان داستان سریان در تمام یا بیشتر عرصه های دینی بود. به احتمال قوی تنها احکام و فقه از دسترس این گروه دور ماند یا کمتر گرفتار آن شد. اعتقادات، تفسیر، تاریخ و وعظ دینی را با داستان های پر جاذبه و جعلی و قصص دینی یهودیان و مسیحیان مخلوط می کردند و مدت ها بر جامعه اسلامی حکومت نامرئی داشتند و اطلاعات دینی مردم را مطابق آراء و هوس های حاکمان شکل بخشیدند.

به هر حال منبع واقعی داستان نادرست کشتار بنی قریظه، فرزندان یهود مدینه اند که ابن اسحاق از ایشان دریافت کرده و مورد اعتراض شدید علما و مورخان قرار گرفته است.

بنابراین منابع محمد ابن اسحاق بسیار مشکوک و جزئیات آن با روح اسلام و احکام قرآن ناسازگار است؛ به گونه ای که نمی توان آن را تصدیق کرد. چون راویان مورد اعتماد بر آن اشکال گرفته اند و قرآن هم آن را تایید نمی کند. به نظر می رسد اساسا تأیید آن غیر ممکن است. نه راویان موثقی آن را نقل کرده اند و نه ادله آن را تأیید می کنند.

بررسی واقعه بنی قریظه طبق آیات قرآن

أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا (احزاب/26)

تعبیرات پر معنی آیات از جمله تعبیراتی که در آیات "فَرِيقًا تَقْتُلُونَ؛ عده‌ای را که همان مردان جنگی دشمن باشند بکشید"، "و تَأْسِرُونَ فَرِيقًا و جمعی دیگر را که از دشمن را اسیر کردید" به چشم می خورد، این است که در مورد کشته شدگان این جنگ می گوید: فَرِيقًا تَقْتُلُونَ یعنی فَرِيقًا را مقدم بر تَقْتُلُونَ می آورد، در حالی که در مورد اسیران فَرِيقًا را از فعل آن یعنی تَأْسِرُونَ مؤخر داشته است. بعضی از مفسران در تفسیر آن گفته ­؛ اند: این به خاطر آن است که در مسأله کشته شدگان، تکیه بیشتر روی اشخاص است؛ چرا که سران بزرگ آنها در این گروه بودند، ولی در مورد اسارت، افراد سرشناسی نبودند که روی آنها تکیه کند.

و نیز در نخستین آیه مورد بحث، پائین آوردن یهود را از قلعه هایشان، قبل از جمله (وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ) یعنی: "خداوند در دل های آنها رعب و وحشت افکند" ذکر کرده است، در حالی که ترتیب طبیعی بر خلاف این است؛ یعنی نخست ایجاد رعب می شود، سپس پائین آمدن از آن قلعه های محکم. این به خاطر آن است که آن چه به حال مسلمانان مهم و شادی بخش بوده و هدف اصلی را تشکیل داده است، در هم شکستن قلعه های بسیار مستحکم آنها بوده است. تعبیر به (أَوْرَثَكُمُ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ) نیز بیان گر این حقیقت است که شما بی آن که زحمت چندانی برای این جنگ متحمل شوید، خداوند زمین ها، خانه ها و اموال آنان را در اختیارتان قرار داد و در پایان تکیه بر قدرت خداوند در آخرین آیه این سوره (وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا) اشاره به این است که او یک روز به

وسیله باد و طوفان و لشکر نامرئی، احزاب را شکست داد و روز دیگر با لشکر رعب و وحشت، حامیان آنها یعنی یهود بنی قریظه.

واقعۀ ماسادا و شباهت آن به داستان کشتار بنی قریظه

از سوی دیگر باید توجه داشت که داستان کشتار بنی قریظه، نمونه ای مشابه در تاریخ قدیمی یهود دارد که می توان این گزارش را نسخه ای از همان داستان قدیمی دانست. در آن حادثه گفته می شود انقلابیون یهود علیه رومیان قیام کردند، اما پس از تخریب معبد آنان در سال 73 میلادی و فرار متعصبان (الغیورین = Zealots) و افراطی های (الاسکاری = Masada) آنان از ایشان به قلعه صخره در ماسادا (masada) مجرا به قتل عام ایشان پس از محاصره شان انجامید.

آنگاه برخی از آنان از واقعۀ جان سالم به در بردند و به جنوب گریختند و بنا به یک نظریه، همان ها به مدینه آمدند و در آنجا ساکن شدند و آنان که ماندند، گزارش ماسادا را به نسل های بعدی منتقل کردند.

کسی که در واقعۀ ماسادا حضور داشته و آن را ثبت کرده، فلافیوس جوسیفسوس (flavius josephus) است که سمتی در روم داشته اما یهودی بودن خود را پنهان می کرد. جزئیات این واقعۀ شباهت زیادی به داستان بنی قریظه و مقاومت آنان در جنگ دارد. مثلاً در گزارش ماسادا آمده که اسکندر، هشتصد یهودی را دستگیر و در مقابل زن و فرزندشان کشت. چنان که عده فراوان دیگری از یهودیان، در ماجراهای دیگر کشته شدند. آن چه جلب توجه می کند تشابه شمار کشتگان در ماسادا است. کشته شدگان را 960 نفر گفته اند که 600 نفرشان از انقلابیون یهود بودند!

تشابه دیگر اینکه وقتی از محاصره به تنگ آمدند، بزرگ آنان البعازر، مانند آنچه کعب بن اسد در میان بنی قریظه پیشنهاد کرد، از دوستان خود خواست که زنان و کودکان خود را بکشند تا بدون دغدغۀ آنان، به سختی مبارزه کنند یا حتی پیشنهاد شد به کشتن همدیگر دست زنند!

تشابه میان این دو گزارش آن هم در جزئیات، جلب توجه می کند. مشابهت تنها در خودکشی دسته جمعی نیست، بلکه در اعداد و ارقام نیز هست. اینها تقریباً برابر است. برجستگی نام اشخاص و تشابه نام هایی هم که در آن داستان ها آمده، محل توجه است. به نظر می رسد اصل داستان بنی قریظه از این واقعۀ گرفته شده و فرزندان یهود که به یثرب (مدینه) آمدند، آن را حفظ کرده و آن را با داستان بنی قریظه آمیخته اند. چه بسا کسی که تاریخ قدیم و جدید یهود در این واقعۀ را به هم آمیخته، همان کسی است که ابن اسحاق از او نقل کرده و مورخان مسلمان بدون توجه و بررسی آن را آورده اند.

وبسایت هایی که روایت محمد ابن اسحاق را بدون تحقیق و بررسی منتشر کرده اند

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج) در پاسخ به این سوال که "آیا درست است که در جنگ بنی قریظه، به دستور پیامبر اکرم (ص)، علی (ع) جمعیت زیادی از یهود را کشته است؟"

پایگاه اطلاع رسانی حوزه در مجله گنجینه، بهمن 1381، شماره 23

وب سایت اسلام کوئست نیز گفته:

با مطالعه تطبیقی در کتب اهل سنت و نیز کتاب های شیعیان، تفاوت اساسی و قابل ملاحظه ای را در نقل این واقعۀ مهم تاریخی نخواهیم یافت و اختلاف نظر چندانی در زمان و شیوه برخورد پیامبر (ص) با بنو قریظه نیست و اصولاً زمینه و دلیلی نیز برای اختلاف نظر وجود ندارد.

ویکی فقه "دانش نامه حوزوی"

دانش نامه اسلامی

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات "اندیشه قم"

شبکه ملی مدارس ایران (رشد)

دایره المعارف طهور

اما از وبسایت هایی که به درستی و برطبق آیات قرآن به این موضوع پرداخته اند می توان به نمونه های زیر اشاره کرد

وبسایت پاسخ گویی به سوالات دینی "انوار طاها" زیر نظر آیت الله حسینی بوشهری

پایگاه اطلاع رسانی "حدیث وحی" متعلق به قرآن پژوه معاصر حجت الاسلام سید محمد علی ایازی

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران

دانشگاه مجازی المصطفی

پرسمان دانشجویی

صفحه حذف شده در ویکی پدیا

بدون شک خیانت یهودیان بنی قریظه در ایجاد فضای بحرانی و سخت برای پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان، در زمانی که دشمن در حال حمله بود، به حکم عقل و شرع شایسته مجازات است؛ اما در کیفیت نقل این حادثه و نوع مجازات های آن از سوی برخی افراد، چه در کتاب های تفسیری و کتب تاریخی مبالغه هایی انجام گرفته که معمولاً دست یهود و مخالفان اسلام را می توان در آنها یافت.

9462/701/ر

